



سرمایه‌گذاران، در واقع مالیات کلی بر درآمد هر شرکت را ۱۰ درصد و مالیات بر سود سهام را تا ۵۴ درصد که در مجموع ۶۴ درصد می‌شود، محاسبه می‌کرده و از آنجایی که نظام مالیاتی هر کشور در جلب سرمایه خارجی به آن کشور تأثیر بسزایی دارد، بررسی دقیق قوانین در این زمینه بسیار کارساز خواهد بود. در قانون جدید مالیات‌های مستقیم که در ۲۷ بهمن ۱۳۸۰ به تصویب رسیده، نرخ مالیات بر درآمد شرکت‌ها از ۵۴ درصد به ۲۵ درصد کاهش یافت که این نرخ مشمول درآمد شرکت‌ها اعم از خصوصی، دولتی، عمومی، انتفاعی یا غیرانتفاعی، داخلی، خارجی و غیرتجاری است. همچنین سهام‌داران و صاحبان شرکت‌ها از بابت درآمد دریافتی هیچ نوع مالیاتی پرداخت نمی‌کنند که این مسئله شامل شرکت‌های سرمایه‌گذاری نیز می‌شود. همچنین به موجب مواد (۱۳۲) و (۱۴۱) این قانون، ۱۰۰ درصد معافیت درآمد حاصل از صادرات تولیدات شرکت‌های مشترک ایرانی و خارجی کماکان به قوت خود باقی است. در مجموع، با وجود اصلاحات این بخش، همچنان نیاز به دقت نظر بیشتری است، زیرا بر اساس آمارهای موجود جهانی، برای اینکه بتوانیم عقب‌ماندگی‌های موجود در این مورد را پوشش دهیم مجبوریم

امتیازات بیشتری اعطا نماییم تا سرمایه‌گذار خارجی رغبت و میل به سرمایه‌گذاری پیدا کند.

قانون داورى تجارى بين‌المللى

این قانون که در سال ۷۶ به تصویب رسید، بر اساس قانون نمونه داورى کمیسیون سازمان ملل متحد برای تجارت بین‌الملل (آنسیترال) با اصلاحاتی تهیه و تنظیم شده است و در واقع گامی مثبت در جهت نهادینه کردن داورى در کشور و راه‌حلی مناسب برای حل و فصل اختلافات بین‌المللی به حساب می‌آید. از نظر عملی هنگامی که طرفین به درج شرط داورى و درج آن در قرارداد مبادرت می‌کردند نیازی به تصویب هیئت‌وزیران یا مجلس نبود؛ بلکه هنگامی که اختلافی محقق می‌شد و طرف خارجی آن را به داورى ارجاع می‌داد این تأیید لازم بود. حال با فرض عدم اعمال این رأی همانند سابق، اگر این مسئله اتفاق افتد و مجلس تصویب نکند، در واقع حداقل دفاعی را که شخص می‌توانست به عمل آورد از او سلب کرده است در نتیجه چاره‌ای جز تصویب و ارجاع به داورى نخواهد داشت. اما به دلیل نبود سایر شرایط تکمیلی برای آن و حذف برخی نکات موجود در قانون پایه در هنگام تصویب، نتوانست مؤثر بیفتد و مشکلات عدیده‌ای به خصوص در

زمینه شناسایی و اجرای آرای داورى خارجی به وجود آورد.

قانون بازار بورس اوراق بهادار

برای ورود سرمایه خارجی به بورس و به تبع آن حرکت و جابه‌جایی سرمایه در میان بنگاه‌ها، تاکنون ظرفیتی در قانون تشویق ایجاد نشده است. در تأیید این ادعا می‌توان به ماده (۳) قانون تشویق استناد نمود که در بندهایش شیوه‌های سرمایه‌گذاری خارجی را بیان نموده، ولی ظهوری در شمول بر سرمایه‌گذاری در بازار بورس ندارد. این امر دلیل بر عدم تجویز ورود سرمایه خارجی به بورس نیست، بلکه نوعی نقص از جهت حمایتی است و از آنجایی که قانون‌گذار در بند (ج) ماده (۱۵) قانون برنامه چهارم توسعه این وظیفه را بر عهده دولت گذاشته تا راهکارهای قانونی جلب سرمایه خارجی در بورس را تدارک نماید و این راهکارها هنوز محقق نشده، دولت و مجلس باید در پی رفع این نواقص برآیند. مسائل دیگری که باید در قانون بورس اوراق بهادار به‌وضوح تعیین گردد، عبارت‌اند از: ارتباط شورای بورس با هیئت جلب سرمایه خارجی، ارتباط سازمان بورس با سازمان سرمایه‌گذاری و چگونگی خروج اصل و سود سرمایه‌ای که در بورس حاصل شده